



جای واژه‌های قرآنی را در فرهنگ عمومی باز کنیم/ حفظ، مقدمه تدبیر است

دبیر شورای توسعه فرهنگ قرآنی گفت: می‌توانیم واژه‌های قرآن را متداول کنیم تا مردم مثال هایشان را با قرآن بزنند و از واژه‌های قرآنی در ادبیات خودشان استفاده کنند.

دبیر شورای توسعه فرهنگ قرآنی گفت: می‌توانیم واژه‌های قرآن را متداول کنیم تا مردم مثال هایشان را با قرآن بزنند و از واژه‌های قرآنی در ادبیات خودشان استفاده کنند.

به گزارش خبرنگار مهر، فهم زبان قرآن عنوان یک دوره ۳۶ جلدی آموزشی است که توسط حجت الاسلام والمسلمین حمید محمدی در رادیو قرآن تدریس می‌شود. به بهانه این کتاب آموزشی قرآن با حجت الاسلام محمدی، معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت دهم که در حال حاضر دبیر شورای توسعه فرهنگ قرآنی شورای عالی انقلاب فرهنگی است، درباره توسعه فرهنگ قرآنی، گفتگویی انجام شده است که از نظر می‌گذرد:

*به نظر شما رسانه برای گسترش فعالیت های قرآنی چه کارهایی می‌تواند بکند؟

به نظر من، شما می‌توانید آن قدر بخش قرآن تان را تقویت کنید که دقیقاً به بخش فرهنگتان طعنه بزنند. الان ظرفیت هایش موجود است. بسیاری از ظرفیت‌ها باید استخراج شوند. چهار تا خبر برای برگزاری مسابقات قرآن یا جشنواره‌های قرآنی، اینها ظرفیت قرآنی نیست. اینها بخش کوچکی از فعالیت‌های قرآنی کشور است که در این قالب‌ها ظهور پیدا می‌کند. بخش عظیمی از آن پژوهشگران قوی‌ای هستند که در این سطح دارند کار می‌کنند و خروجی‌های عظیمی دارند. بخش عظیمی از آن حوزه بین الملل است که تحت نام جمهوری اسلامی دارد کار می‌کند.

بخش وسیعی از اینها نخبگانی است در داخل مدارس، دانشگاه‌ها که اصلاً اینها مورد شناسایی قرار نمی‌گیرند مگر اینکه کسی باشد که خودش زور بزند و به نقطه‌ای برسد که دیده شود و مطرح شود. در حالی که خبرگزاری‌ها مهمترین کارشان این است که اینها را کشف کنند، استخراج کنند و به مردم معرفی کنند. این قضیه یک فرایندی می‌خواهد.

متأسفانه به قرآن با نگاهی خیلی محدود نگریسته شده و نگاه راهبردی در حوزه قرآن در بخش رسانه جدی نشده است و حتی صدا و سیما هم به آن توجه نکرده است. صدا و سیما با اینکه رادیو قرآن دارد ولی این برای نگاه راهبردی کفایت نمی‌کند. اولاً اینکه تمام شبکه‌ها بخش قرآن‌شان باید قوی‌ترین بخش‌شان باشد. الان اینجوری نیست. بعضی‌ها ندارند و بعضی‌ها هم ضعیف دارند.

شبکه سیمای قرآن باید قوی‌ترین شبکه سیمای باشد. در حالی که اصلاً این طور نیست. برنامه‌های قرآنی همواره از لحاظ بودجه و حمایت در انتها هستند. اگر این نظام بر اساس حکومت حق و عدالت و قرآن است، این فعالیت‌ها کجای کارها هستند؟ بقیه شبکه‌ها فعالیت قرآنی‌شان کجاست؟ خود شبکه قرآن ته خط است. لذا حمایت برای تولید برنامه‌های قرآن محور و همچنین تولید علوم قرآن بنیان کاری بسیار کلیدی است که می‌بایست با یک اهتمام ویژه‌ای در سطح کشور دنبال شود. ما اینها را متأسفانه کمتر می‌بینیم و بایستی در این زمینه جلو برویم.

*مختصری درباره سری کتاب های فهم قرآن توضیح دهید.

فهم زبان قرآن یک دوره آشنایی با ترجمه کامل قرآن است در سطوح مختلف که هر کدام مستقل است و سطح مخاطبش فرق می‌کند. یک سطح، برای بچه‌های حدود چهارم، پنجم دبستان تا اول راهنمایی است و دوره متوسطه‌اش برای دبیرستانی‌ها و دانشگاهیانی است که در رشته الهیات و قرآن نیستند و سطح عالی‌اش هم برای دانشجویان الهیات و قرآنی و حوزویان است. طلبه‌های دوم و سوم حوزه الان این کتاب، کتاب درسی‌شان است و آن را می‌خوانند. ما تلاش می‌کنیم بر اساس سنت رسول گرامی اسلام(ص) در حقیقت آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن را راهبری کنیم. سنت پیامبر(ص) در آموزش قرآن، سوره محور بوده است. امام رضا(ع) می‌فرماید یکی از نظم‌های قرآن، نظم سوره‌های قرآن است.

اصلاً یکی از وجوه اعجاز قرآن نظمش است. نظم قرآن به کیفیتی که الان موجود است. برای آموزش قرآن خود قرآن آمده و در هر سوره‌ای سفره‌ای را پهن کرده است. از یک نقطه شروع به نقطه‌ای می‌رساند، خود این موضوعیت دارد. لذا علامه طباطبائی هم اشاره می‌کنند که نظم موجود در بین دو بسم الله، بسیار نکته کلیدی است.

هر سوره‌ای برای خودش غرضی دارد. هر سوره خودش دارای استقلال است. سوره‌ها موجب ماندگاری در ذهن می‌شوند. آموزش سوره محور، تداعی می‌آورد. تداعی از اصول علمی، و متری روش آموزش است و ساز و کار حفظ را آسان می‌کنند. حالا شما ممکن است سوال کنید، آقا از کجا به کجا، سنت پیامبر(ص) این چنین بوده است. عهده آموزش‌های پیامبر(ص) از سوره محمد(ص) تا سوره ناس بوده است؛ یعنی ۵ جزء آخر قرآن. شما اگر بتوانید به ۵ جزء آخر قرآن مسلط شوید به کل قرآن، مسلط هستید. هم از حیث واژگانی هم از حیث محتوایی. زیرا بیش از ۸۵ درصد واژه‌های قرآنی در این بخش هستند و از نظر محتوایی هم تقریباً جامع مفاهیم قرآنی است.

البته بعضی از بحث‌های احکامی مثل خمس، ارث، نکاح و طلاق و اینها در این بخش نیست ولی بحث مبدأ و معاد که ام‌المعارف است اینجا است در جزء ۲۹ و ۳۰. بحث ارتباطات اجتماعی و رابطه‌های انسانی در جزء ۲۷ و ۲۸ موج می‌زند. از سوره

محمد تا سوره ناس که از ۵ جزء دو صفحه کمتر است. بسیار بسیار جالب، قشنگ و جذاب است و جالب است که بیش از نیمی از سوره‌های قرآن اینجاست. قرآن ۱۱۴ سوره دارد. ۶۸ سوره‌اش اینجاست. یعنی ۱۱ تا بیش از نصف. بنابراین یک حجم عظیمی است. بعد، مردم با آنها یعنی سوره‌های کوچک انس می‌گیرند فلذا برای آموزش خیلی مناسب است.

***پس می‌فرمایید که بهتر است آموزش های قرآنی و تدبر در قرآن باید سوره محور باشد.**

بله بحث ما این است که آموزش مفاهیم و تفسیر باید سوره‌محور باشد. بعضی‌ها تأکیدشان در مسیر تنزیل است زیرا عمده سوره‌های قرآن در جزء ۲۹ و ۳۰ مسیر تنزیل‌شان در اینجاست. این سوره‌ها عمدتاً اولین سوره‌ها هستند که بر پیامبر (ص) نازل شده‌اند. بنابراین بهترین راه و بهترین کیفیت برای این کار، این آموزش است.

***درباره این ظرفیتی که شما می‌گویید در زمینه قرآن وجود دارد من خودم اصلاً به عینه دیده‌ام چه در سطح خانم‌های خانه‌دار که علاقه‌مند هستند و به سمت ترجمه و تفسیر قرآن می‌روند و چه در سطح متخصصینی که می‌شناسم. در خبرگزاری هم مراجعه داشته‌ایم. به عنوان مثال پزشکی بود که آمد اینجا کتابش را معرفی کرد. گفت من ۲۰ سال است در زمینه قرآن دارم کار می‌کنم و یک همچین کتابی نوشته‌ام؛ آن را در خبرگزاری‌تان معرفی کنید. یکی از بستگان ما دامپزشک است ۲۰ سال است که در حال پژوهش درباره قرآن است و مدت‌هاست که قرآن را مطالعه می‌کند یعنی کاملاً در آدم‌هایی که ما فکر نمی‌کنیم یک ظرفیت‌های عجیبی در قرآن دارد ولی به نظرم آفتی که وجود دارد از آنجا ناشی شده که مردم را از قضیه تفسیر به رای ترسانده‌اند. یعنی هدی للناس و بیان للناس بودن قرآن فراموش شده است و همواره گفته‌اند که باید به واسطه تفسیر، مفسر با قرآن مواجه شوید. ی‌ک مقدار به نظرم این آفتی بوده که باعث دوری مردم از قرآن شده است. نظر شما چیست؟**

– نه، ببینید، حقیقت آن است که نه قرآن را می‌شود آن قدر باز گذاشت که هر کس از راه رسید تفسیر بگوید که این مسأله خودش خطری است. آن تدبر در قرآنی که مقام معظم رهبری، از همه می‌خواهند، تدبر در سایه دانش‌آموزی، دانشجویی و طلبگی است و البته عامه مردم آنچه را که می‌خوانند می‌توانند در آن تدبر کنند. تدبر در قرآن اختصاص به سنی ندارد. منتها روش‌هایش متفاوت است.

تدبر می‌تواند روشمند و با یک اصول خاصی باشد. ولی مردم و هر کسی که قرآن را می‌خواند می‌تواند در همان سطح خودش در قرآن تدبر داشته باشد. در حقیقت قرائت و فهم روشمند قرآن، بخشی از تدبیر است. به نظرم بایستی مردم را نسبت به تدبر درباره آنچه که می‌خوانند، عادت دهیم. یک شرح ساده و ترجمه روان در کنارشان باشد، با فهم جلو روند. مقام معظم رهبری فرمودند: حفظ قرآن هدف نیست. حفظ مقدمه تدبر است و تدبر مقدمه فهم است و فهم هم مقدمه عمل است.

آنچه که غایت الغایات قرآن است، انس با قرآن است، انس به این دلیل که خودش می‌تواند راهبرد کلیدی برای عمل باشد، موضوعیت دارد و خودش بهترین مدخل عمل است. یعنی اجرایی کردن گزاره‌های قرآن، در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی. به همین نسبت هم درجات حفظ طراحی شده و آدم‌ها می‌توانند جلو بروند. لذا بایستی مسیری برویم که بچه به قرآن کریم علاقمند شود. علاقه مخصوص به زیبایی‌های ظاهری قرآن است. تلاوت خوش قرآن، خوش‌آهنگی قرائت قرآن. جاذبه‌های قرآن بسیار بالا است. یک بخش آن معارف ناب و حقایقی است که درونش است. آن جذابیت‌اش فوق‌العاده بالاتر است. یک بخش آن روح قرآن؛ آن نکته‌پردازی‌های ظریف قرآن است که آن هم جایگاه خودش را برای انسان دارد.

بنابراین مسیر ما باید این باشد؛ ورود مردم به فهم قرآن کریم و بهره‌برداری از این فهم، منتها فهمی روشمند و بدون حاشیه و آسیب. مردم لازم نیست هر چیزی که به ذهنشان رسید به فهم قرآن بگذارند. منتها می‌تواند در یک پروسه راهبری، جلو بروند. به مجرد اینکه اطلاعاتشان هم توسعه پیدا می‌کند، عربی‌شان خوب می‌شود، واژه‌هایشان توسعه پیدا می‌کند به همان نسبت فهمشان هم عمیق‌تر می‌شود. بررسی‌هایشان هم ساختارمند و بهتر می‌شود.

اگر هر کسی خواست برداشت خودش را به جامعه عرضه کند، بهتر است که چهارتا آدم متخصص‌تر آن را نگاه کنند و برداشت‌شان را ملاحظه و مروری کنند که شبهه‌ای هم پیش نیاید. راه فهم تدبر در آیات الهی باز است. اصلاً قرآن، تدبر در قرآن را تأکید می‌کند. «افلا يتدبرون القرآن». اصلاً در مورد عدم تدبر، قرآن توبیخ می‌کند. تدبر و تفکر در آیات الهی بسیار تأکید شده است.

در «فهم زبان قرآن» به دنبال همین کار هستیم. آن مسیر فهم و تدبر قرآن را در دبستان رقم بزنیم. سوره‌های کوچک، آیات روان، واژه‌های خیلی قشنگ، بچه‌ها را جذب کنیم. برای دوره متوسطه، واژه‌ها را مقداری گسترده‌تر کنیم. این برنامه‌ای که هر شب در رادیو قرآن داریم، ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ پنج روز اول هفته این درس‌ها را می‌گوییم و دو روز آخر خلاصه درس‌ها تکرار می‌شود و کتاب فهم زبان قرآن، جلد اول دوره متوسطه‌اش آموزش داده می‌شود. کلاس‌ها ضبط می‌شوند. ممکن است بعدها پیاده هم شوند ولی محور درس‌ها همین کتاب است، زیرا تلاوت می‌شود. کل فایل‌ها در سایت رادیو قرآن گذاشته می‌شود که حالا اگر خبرگزاری مهر هم می‌خواهد می‌تواند بگذارد. PDF هر درس هم موجود است. فایل صوتی‌اش هم هر روز از رادیو قرآن پخش می‌شود.

بحث‌های مشتقات جملات، بعد سیمای هدایتی سوره که تفسیر سوره است. بعد بحث نکته‌های تفسیری، می‌آید و نکته‌پردازی می‌شود. در ادامه‌اش پیام‌های سوره می‌آید. معانی لغات و واژگان سوره‌ها اول می‌آید. بعد نمودار سوره‌ها می‌آید. بعد همه اینها را که گفتیم یک بحثی می‌آید به نام «زبان قرآن» و «قرآن؛ کتاب زندگی» که می‌گوید قرآن برای زندگی امروز ما چه چیزی دارد. اگر خدا بخواهد بنا داریم همین کار را روی نهج‌البلاغه هم انجام دهیم، بعد از اینکه نهج‌البلاغه را معرفی شده شروع کنیم.

***در فعالیت های قرآنی آیا چشم‌انداز ما نباید این باشد که ادبیات قرآنی رایج شود؟ یعنی الفاظ و واژگان قرآنی وارد ادبیات**

روزمره ما شود. مثلاً کلمه فتنه که واژه ای قرآنی است و وارد ادبیات سیاسی ما شده است. منظورم این است که اگر می‌خواهیم قرآن را گسترش دهیم باید ادبیات قرآن را گسترش دهیم. مثلاً کلمه دین و ولایت در قرآن به نحو دیگری به کار برده می‌شود. قرآن می‌گوید: «لکم دینکم ولی الدین»، ولی ما می‌گوییم دیندار و بی‌دین، در حالی که در ادبیات قرآنی دیندار و بی‌دین وجود ندارد. یا قرآن می‌گوید والذین کفروا اولیاءهم الطاغوت یعنی در ادبیات قرآنی، بی‌ولایت وجود ندارد ولی ما می‌گوییم ولایت‌مدار و بی‌ولایت. باید دایره‌المعارفی درست کنیم بر مبنای ادبیات قرآنی و ببینیم در قرآن کلمات به چه نحوی حضور دارند. ما هم این کلمات را به همان نحوی که خداوند به کار برده، به کار ببریم.

این دو تا کار است، یک کار این است که قرآن چه می‌گوید. ببینیم و تحلیل کنیم. مثلاً ما کتابی داشتیم به نام مفردات القرآن، بررسی کلیدواژه های قرآن، کتاب درسی هم هست و اصلاً تحلیل واژه های قرآن است. اما یک وقتی می‌خواهیم روی واژه ها فرهنگسازی کنیم. می‌توانیم آنها را متداول کنیم تا مردم مثال هایشان را با قرآن بزنند و مردم از واژه های قرآنی در ادبیات خودشان استفاده کنند. شروع این کار این است که آیاتی را منتخب کنیم و اینها را آرام آرام در بین مردم ترویج کنیم و ضرب المثل کنیم تا مردم به آن آیه استناد کنند. استناد به آن واژه استناد به آن آیه هم است و خودش می‌تواند آرام آرام در فضای متعدد آن را فرهنگ سازی کند. این کاری است که رسانه ها می‌توانند ورود خیلی خوبی در آن داشته باشند.

برای مخاطبین خودشان روزانه بیایند یک آیه را با یک ضرب المثل همراه کنند و کاربردهایش را در جاهای مختلف مثال بزنند که مردم از آن بهره برداری کنند. مثلاً الان گاهی برای اینکه بگویند «من نمی‌دانم» می‌گویند «الله اعلم» که عبارتی قرآنی است. بعد این می‌تواند تسری پیدا کند به لایه های مختلف جامعه. این کار شدنی است که جای واژه های قرآنی را در فرهنگ عمومی باز کنیم.

می‌توانیم ضرب المثل استخراج کنیم. ضرب المثل ها با استفاده از قرآن الان موجود هستند، منتها باید یک کار رسانه‌ای رویش بشود. این مسأله بیاید در قالب یک داستان بیان شود، صدا و سیما و خبرگزاری ها رویش کار کنند. باید این مسأله آرام آرام کار شود و در کتاب های رسمی آموزش و پرورش و موسسات قرآنی کشور به بچه ها آموزش داده شود.

گفتگو از: محمدالیاس قنبری